

حضور ایرانیان در خلیج فارس و شبه جزیره ی عربستان

دکتر توح دریایی *

ترجمه: دکتر احمد فضلی نژاد **

چکیده

علاوه بر شواهد فراوان تاریخی و مستندات جغرافیایی در مورد نام خلیج فارس، یکی از دلایل پیوند عمیق ایرانیان با این آبراه و سرزمین‌های پیرامون آن، حاکمیت قدرتمند و بی‌منازع ساسانیان تا اعماق سرزمین‌های عربی است. دولت ساسانی هم به دلایل اقتصادی و سیاسی و هم به واسطه‌ی سلطه بر مرزهای پهناور سواحل شمالی خلیج فارس، ضرورت نفوذ و حضور جدی خود را در این منطقه احساس کرده بود. بنابراین در سراسر دوره‌ی ساسانی، همواره یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سیاسی این دولت تداوم حاکمیت بر سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس و گسترش نفوذ خود در درون سرزمین‌های عربی و در پی آن چگونگی برخورد با ناآرامی‌های داخلی شبه جزیره‌ی عرب بوده است. همچنین توسعه‌ی قلمرو رومیان به سرزمین‌های پیرامون ایران، ضرورت کنترل راه‌های دریایی و گسترش تجارت از طریق خلیج فارس را برای ساسانیان افزایش داد. **واژگان کلیدی:** خلیج فارس، ساسانیان، تجارت دریایی، سرزمین‌های عربی.

درآمد

در مورد «عربی‌سازی» نام خلیج فارس مجادلات زیادی در جریان بوده است. سوال این است که عرب‌ها از چه زمانی توانستند بر بخش جنوبی خلیج فارس تسلط یابند؟ متأسفانه برخی از مجادلات صورت گرفته بیش از آنکه مبتنی بر پژوهش‌های عالمانه باشد، در پی ستایش‌های قوم‌گرایانه و جعل

* University of California, Irvine

** عضو هیأت علمی مجتمع آموزشی پیامبر اعظم (ص)، مرکز تربیت معلم امام جعفر صادق (ع) بهبهان

نام این آبراه بوده است. این مقاله بر آن است تا نشان دهد در همان زمان که اعراب در کرانه‌ی جنوبی خلیج فارس زندگی می‌کردند، ایرانیان عصر ساسانی در اواخر دوره‌ی باستان بر آن ناحیه تسلط یافتند. انگیزه‌ی اصلی ساسانیان برای کنترل بر نواحی ساحلی، ملاحظات اقتصادی نظیر دراختیارداشتن جاده‌ی ابریشم و استخراج فلزات گران‌بها و همچنین زمین‌های حاصلخیز آن بوده است.

با آغاز دوره‌ی ساسانی فصل تازه‌ای در تاریخ خلیج فارس گشوده شد. آنها تلاش کردند تا نه تنها ساحل شمالی بلکه کرانه‌ی جنوبی خلیج فارس را زیر کنترل خود درآورند. حمزه اصفهانی می‌نویسد: اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۰ م.) چندین شهر بنا نمود^۱ و به محاصره‌ی بحرین پرداخت^۲ (۲۴۰ م.) و طبری نقل می‌کند که او شهر جدیدی به نام «الخط» (Al-Hatt) بنا کرد که به «پیروز اردشیر» نیز معروف شد^۳. اردشیر در امتداد ساحل جنوبی و شمالی خلیج فارس شهرها و بنادری تأسیس کرد. متن فارسی میانه‌ی *کارنامه اردشیر بابکان*، ساختن یکی از این بنادر را اینگونه نقل می‌کند (KAP V.10):

هنگامی که او (اردشیر) دریا را به چشم خود دید، یزدان را سپاس گفته و در آنجا روستایی را «بوخت اردشیر» (Boxt-ardaxšir) (بوشهر) نام نهاد^۴.

بوشهر تا این اواخر بندر مهمی به شمار می‌رفت و به نظر می‌رسد پایه‌گذاری آن به دوره‌ی ساسانیان باز می‌گردد. به‌هرحال شواهدی از فعالیت‌های سازندگی ساسانیان هم در ساحل شمالی و

1. H. al-Isfahani: *Kitab ta'rikh sini muluk al-arz wa'l-anbiya'*, ed. S. H. Taqizadeh, Berlin, 1921, p.44.

۲. در مورد تاریخ بحرین تحت حکومت ساسانیان رجوع کنید به:

R.N. Frye: "Bahrain under the Sasanians," eds. H.J. Nissen and J. Renger: *Mesopotamien und seine Nachbarn*, Berliner Beiträge zur Vordern Orient, Berlin, vol. 2, 1983.

3. D.T. Potts: *The [A...] Gulf in Antiquity*, vol. 2, Oxford, 1990, p. 233.

4. *Karnamag i Ardaxšir i Pabagan*, ed. by B. Farahwashi, University of Tehran Press, 1354, p. 46;

برای ملاحظات کلی درباره‌ی ایران نگاه کنید به:

Vol. 9-10, 1972, pp. 97-109; M. Kervran, "Forteresses, entrepôts et commerce: une histoire à suivre depuis les rois sassanides jusqu' aux princes d'ormuz," *Itinéraires d'orient, hommages à claude cahen*, eds. R. Curriel et R. Gyselen, Res Orientales, Vol. VI, 1994, pp. 325-350.

4. I. Ra'in: *Darya nawardi-ye iranian (The Seamanship of Iranians)*, Vol. I, 1350, Tehran, pp. 251-255.

4. *Karnamag i Ardaxšir i Pabagan*, ed. by B. Farahwashi; *the Persian Gulf for Ardaxšir I see*, V. F. Piacentini, "Ardashir I Papakan";

و در مورد جنگ‌های ساسانیان با اعراب:

"Working hypothesis on the Sasanian hold of the Gulf", *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies*, Vol. 15, London, 1985, pp. 57-78.

هم جنوبی خلیج فارس وجود دارد. پرسشی که در اینجا مطرح شود این است که چه دلیلی برای این فعالیت‌ها در بخشی از دوره‌ی ساسانیان وجود داشته است؟ استدلال دان پوتس (Dan Potts) در مورد علت تسلط اردشیر بر ساحل جنوبی خلیج فارس تضمین امنیت آن منطقه از تهاجمات دیگران می‌باشد.^۵ چنان‌که روشن خواهد شد دلایل اقتصادی برای اینگونه اقدامات طی قرن سوم تا هفتم میلادی وجود داشته است. در دوره‌ی حکومت شاپور اول (۲۴۰-۲۷۰ م) دورنمایی سلطنتی که ساحل جنوبی خلیج فارس را بخشی از امپراتوری ساسانی تلقی می‌کند، در دست داریم. در سنگ‌نوشته‌ی او در «کعبه زرتشت»، محدوده‌ی «ایران‌شهر» - اصطلاحی که او به کار برد - اینگونه است: (SKZ-3)

«من فرمانروای ایران‌شهر بر این شهرها حاکمیت دارم: پارس، پارت، خوزستان، میشان، آسور، آدیابن، عربستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، سگان، آلبانیا، بلاسگان تا کوه‌های قفقاز و دروازه‌های آلبانیا و تمامی رشته کوه پارسوار، ماد، گرگان، مرو، هرات و سراسر ایرشهر، کرمان، سیستان، توران، مکران، یارادنه، هند، کوشان شهر تا پیشاور و تا کاشغر، سغد و تا کوه‌های تاشکند، و بر جانب دیگر دریا، عمان».

در سطر آخر سنگ نوشته، منظور از دریا همان خلیج فارس است و مزون شهر (Mazunšahr) را برای عمان به کار می‌برد.^۶

در کارنامه اردشیر بابکان نیز رویارویی اردشیر با ساکنان عمان اینگونه نشان داده شده است (KAP VII.12): «در آن زمان پسر (کرم هفتواد) که در اروستان* (Erhestan) بود، با نیروهای زیادی از اعراب و عمانی‌ها که بر ساحل دریا بودند، آمد و با اردشیر به نبرد پرداخت».

در قرن چهارم میلادی، در دوره‌ی حکومت شاپور دوم اعراب از طریق بحرین به سواحل شمالی خلیج فارس هجوم آوردند. طبری نقل می‌کند که آنها در کناره‌های ایالت فارس سکونت یافتند.^۷ دولت ساسانی نه تنها مهاجمان را شکست داد، بلکه برای مسأله‌ی پیش‌روی طوایف عرب نظیر

5. Potts, *op. cit.*, p. 233.

6. Ph. Huyse, *Die dreisprachige Inschrift Šabuhrs I. an der Ka'ba-i Zardušt*, vol. I, Copus Inscriptionum Iranicarum, London, 1999, pp. 22-24. An identical list is supplied at Naqš-e Rostam, see M. Back, *Die Sassanidischen Staatsinschriften*, Acta Iranica, 18, Leiden, 1978, pp. 285-288; R.N. Frye, *The History of Ancient Iran*, Munchen, 1983, Appendix 4, p. 371.

۷. برای شواهد حضور ساسانیان رجوع کنید به:

B. de Cardi, "A Sasanian Outpost in Northern Oman," *Antiquity*, Vol. XLVI, No. 184, Dec. 1972, p. 308; also D. T. Potts, "A Sasanian Lead Horse from North Eastern Arabia," *Iranica Antiqua*, Vol. XXVIII, 1993, p. 197.

* آروستان یا عربستان که منظور بخش عمان و سواحل جنوبی خلیج فارس می‌باشد (مترجم).

8. *The History of Tabari, The Sasanids, the Byzantines, the Lakmids, and Yemen*, translated by C.E. Bosworth, New York, 1999, p. 51.

«عبدالقیس» و دیگرانی که در داخل نجد عربستان زندگی می‌کردند و جلوگیری از تهاجمات بیشتر آنها راه حلی پیدا کرد. شاپور دوم طوایف مشخصی از اعراب را در نواحی مختلف تحت حکومت ایران سکونت داد. برای مثال طایفه‌ی «تتلب» که در بحرین بودند، در مناطق دارین (Darin)، السماهیج (Al-Samahij) و الخط (Al-Hutt) استقرار یافتند.^{۱۰}

بدین ترتیب او تهاجمات اعراب را از سمت بیابان کاهش داد و ضمن کنترل درآوردن اهالی حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، اتحادیه‌های جدیدی در منطقه ایجاد کرد. طایفه‌ی عبدالقیس نیز برای برقراری امنیت بیشتر در منطقه در «قطیف» و بحرین سکونت داده شدند. آگاهی‌های ما از مناسبات ایرانیان و عرب‌ها در قرن پنجم میلادی اندک است و به‌نظر می‌رسد در این زمان نوعی همکاری صلح‌آمیز میان دو قوم برقرار بوده‌است. طی قرن ششم میلادی در حکومت قباد اول و فرزندش خسرو اول و اصلاحات آنهاست که بار دیگر اخباری از سواحل جنوبی خلیج فارس به ما می‌رسد.

در تقسیم بندی اداری اواخر دوره‌ی ساسانی که به‌وسیله‌ی قباد اول و خسرو اول ایجاد گردید، خلیج فارس تحت اداره‌ی یکی از چهار ناحیه (کست) قرار گرفت.^{۱۱} این ناحیه «کست خوروران»

9. Tabari, p. 55.

۱۰. اصلاحات اداری با خسرو اول در قرن ششم ارتباط داشته است. گویا اصلاحات طی حکومت قباد و در پی پیروزی های هپتال‌ها در زمان پدرش و به عنوان نتیجه‌ی تلاش ساسانیان در مواجهه با چندین جبهه در یک زمان آغاز گردید. Ph. Gignoux تردید دارد که چنین امری روی داده باشد:

“Les quatre régions administratives de l’Iran sasanide et la symboliques des nombres trois et quatre,” *Annali dell’Istituto Universitario Orientale di Napoli*, vol. 44, 1984, pp. 555-572;

اما نه تنها متون فارسی میانه و اسلامی، بلکه همچنین شواهد سکه‌شناسی بر این امر دلالت دارند. رجوع کنید به گزارشات G. Gnoli:

“The Quadripartition of the Sassanian Empire,” *East and West*, vol. 35, 1985, pp. 270;

و برای شواهد سکه‌شناسی:

F. Gerant, Deux notes à propos du monnayage du Xusro II,” *Revue belge de Numismatique*, vol. 140, 1994, p. 37;

همچنین در جغرافیای موسی خورنی:

J. Marquart, *Eranšahr nach der Geographie des Ps. Moses Xorenac’i*, Berlin, 1901; از جام‌های سه گانه‌ی یافت‌شده در تخت‌جمشید که مربوط به زمان داریوش اول است، حدود امپراتوری هخامنشی نشان داده شده است. نکته‌ی جالب توجه این است که سمت و سوی اطراف امپراتوری به همان شیوه نظم و ترتیب یافته است؛ از شمال شرق تا جنوب غرب، از جنوب غرب تا جنوب شرق و از جنوب شرق تا شمال غرب. آیا این مجموعه قواعدی بود که در امپراتوری ساسانی باقی ماند؟ برای امکان راه‌های انتقال از طریق سنت سفاهی رجوع کنید به:

P.O. Skjærvø, “Thematic and Linguistic Parallels in the Achaemenid and Sassanian Inscriptions,” *Papers in Honor of Professor Mary Boyce*, Acta Iranica 25, E.J. Brill, Leiden, 1985, 593-604; P. Huyse, “Noch einmal zu Parallelen zwischen

(Kust i Xwarwaran) یا «بخش جنوب غربی» نامیده شد و مطابق با متنی از فارسی میانه (شهرستان‌های ایرانشهر) از دو جا حفاظت می‌شد:

«شهر حیره به دست شاهپور پسر اردشیر ساخته شد و او مهرزاد را مرزبان حیره در پشت دیوار عرب‌ها منصوب کرد»^{۱۱}.

و: «شهر آشور و شهر ویه‌اردشیر به دست اردشیر پسر اسپندیاد ساخته شدند، و او اوشاگ (Ošag) اهل هجر (Hagar) را به عنوان مرزبان دوسار (Do-sar) و بورگیل (Bor-gil) در پشت دیوار عرب‌ها منصوب کرد»^{۱۲}.

این دو متن نشان می‌دهد که ساسانیان از اوایل قرن سوم میلادی علاقه‌ی ویژه‌ای به حوزه‌ی خلیج فارس داشته و تا زمان غلبه‌ی اعراب مسلمان در قرن ششم در آنجا مرزبانان و نیروهای نظامی مستقر کرده بودند. در متن نخست نام مرزبان، مهرزاد آمده که در قرن سوم میلادی در آن ناحیه حکومت می‌کرد، اما موضوع متن دوم ممکن است به قرن ششم میلادی مربوط باشد زیرا نام اوشاگ همراه با هجر ذکر شده که هجر نامی سریانی برای منطقه‌ی بحرین می‌باشد. اکنون نیز روشن شده که دوسار و بورگیل نام دو سپاه اعزامی ساسانی بوده که به دوسار (Dausar) و شهبا (Šahba) معروف شدند^{۱۳}. این دو سپاه همراه یک نیروی سوم از جنگجویان ویژه‌ی بودند که ساسانیان برای کنترل آن منطقه فرستادند^{۱۴}.

در رساله‌ی جغرافیایی ساسانی یعنی *شهرستان‌های ایرانشهر*، یمن و شبه جزیره‌ی عربستان به عنوان بخشی از جنوبی‌ترین ناحیه ذکر شده که اگر واقعیت‌های تاریخی مبنا قرار گیرد، می‌تواند به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی مربوط باشد.

یک منبع عربی نشان می‌دهد که ایرانیان تا اوایل حکومت قباد اول در قرن پنجم میلادی در امور شهر مکه درگیر بوده و اندیشه‌های مزدکی در میان اعراب «تجد» و «تهامه» نفوذ یافته است. براساس این متن هنگامی که تعدادی از مردم مکه از تغییر کیش خود استنکاف ورزیدند، قباد به یکی از فرمانداران عرب خود دستور ویرانی کعبه را داد که او نپذیرفت^{۱۵}. در قرن ششم میلادی عربستان

Achaemeniden - und Sasanideninschriften," *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 23, 1990, pp. 173-183.

11. T. Daryaee, *Šahrestaniha i Eranšahr, A Middle Persian Text on Late Antique Geography, Epic and History*, Mazda Publishers, Costa Mesa, 2002, pp. 18-19.

12. Ibid., p. 20.

13. G. Rothstein, *Die Dynastie de Lahmiden in al-Hira. Ein Persischen Geschichte zur Zeit der Sasaniden*, Berlin, 1899, pp. 134-138.

14. M.J. Kister, "Al-Hira, Some Notes on its Relations with Arabia," *Arabica*, vol. xi, fasc. 2, 1968, pp. 168, p. 167.

۱۵. برای مطالعه‌ی منابع دیگر در مورد سرزمین‌های عربی رجوع کنید به:

صحنه‌ی عمده‌ی کشمکش‌ها بود. در سال ۵۷۵م. ساسانیان یمن را فتح کرده و حکومت آنجا را به باذان سپردند که از «صنعا» آن را اداره می‌کرد. از یمن مأمورانی به‌دستور حاکم ایرانی برای گردآوری مالیات به مدینه فرستاده شدند^{۱۶} که وظیفه‌ی تحقیق و تفحص در مورد قدرت فزاینده‌ی پیامبر اسلام را نیز به‌عهده داشتند. عمان نیز در حاشیه‌ی شمالی مناطق عربی تحت حکومت ایرانیان قرار گرفت.^{۱۷}

همچنین نام حاکم بحرین در دوره‌ی حکومت خسرو اول، آزاد پیروز پسر گشنسب بوده که ظاهراً رفتار بسیار سختگیرانه‌ای با مردم داشته است. او مثله‌کننده (al-Mukabir) لقب گرفت و برای نبرد با طوایف بنی‌تمیم فرستاده شد^{۱۸}. در این زمان نفوذ ایران بر شبه جزیره‌ی عربستان مشخص و محرز بود. به نقل از تاریخ طبری هنگامی که ساسانیان در قرن هفتم میلادی رومیان را شکست دادند، اهالی مکه به ویژه قریش خوشحال بودند.^{۱۹}

به هر حال براساس سنگ‌نوشته‌های اوایل دوره‌ی ساسانی (شاپور اول)، شهرستان‌های ایران‌شهر و تاریخ طبری، خلیج فارس و شبه جزیره‌ی عربستان بخشی از امپراتوری ساسانی به‌شمار می‌رفت. با توجه به ایدئولوژی سلطنتی پادشاهان ساسانی پیامدهای این امر دوره‌ی تازه‌ای را در تاریخ خلیج فارس ایجاد نمود.

به عقیده‌ی نگارنده یکی از دلایل نفوذ ساسانیان بر هر دو ساحل خلیج فارس، علایق اقتصادی بوده است. خلیج فارس نه تنها خود دارای اهمیت بود، بلکه امپراتوری ساسانی را نیز به جهان بزرگتر ارتباط می‌داد. هنگامی که یک امپراتوری بزرگ [روم] به اطراف آنها راه یافت و ارتباط و تجارت را دشوار نمود، خلیج فارس راهی بود که ایرانیان را به آب‌ها، سرزمین‌ها و اقوامی در آن سوی همسایگان‌شان پیوند داد.

وجود منابع طبیعی نظیر مس در عمان و استخراج معادن نقره و همچنین صنایع پارچه‌بافی و چرم در یمن عامل مهمی در توجه ساسانیان به این منطقه بوده است.^{۲۰} علاوه بر این، زمین‌های کشاورزی بحرین و عمان در اختیار ایرانیان قرار گرفت.^{۲۱} اهمیت بیشتر این موضوع از آن جهت

R.N. Frye, *The History of Ancient Iran*, C.H. Beck'sche Verlagsbuchhandlung, München, 1984, pp. 324-328.

16. M.J. Kister, *op. cit.*, p. 145.

17. J.C. Wilkinson, "The Julanda of Oman," *The Journal of Oman Studies*, vol. 1, 1975, p. 98.

18. Tabari, p. 290.

19. Tabari, p. 327.

20. M.G. Morony, "The Late Sasanian Economic Impact on the Arabian Peninsula," *Name -ye Irane Bastan, The International Journal of Ancient Iranian Studies*, vol. 1, no. 2, 2002, p. 37.

21. *Ibid.*, p. 30.

است که توجه داشته باشیم رومیان در قرن ششم میلادی فروش مس و آهن را به ایران ممنوع کردند^{۲۲} و بنابراین منابع و معادن طبیعی سرزمین‌های عربی اهمیت زیادی یافت. در مورد مشغله‌ی ایرانیان در بخش جنوبی خلیج فارس شواهد متعدد باستان‌شناسی وجود دارد که مکمل نوشته‌های طبری و دیگر گواهی‌های مکتوب می‌باشد.

در «قطیف» قنات‌هایی وجود دارد که از نفوذ ایران در آن منطقه خبر می‌دهد.^{۲۳} اهمیت قطیف به این دلیل است که یک بندر وارداتی ابریشم در اواخر دوره‌ی ساسانی به‌شمار می‌رفت.^{۲۴}

در تاروت (Tarut) نشانه‌هایی از نفوذ فرهنگ مادی ساسانیان از جمله بناهای گچ‌کاری و مهر و نشان‌ها یافت شده^{۲۵}؛ در دمام (Dammam) نیز آثاری از فرهنگ مادی ساسانی موجود است^{۲۶}؛ در «الخبر» سیستم آبیاری و قنات ایرانی و همچنین سکه‌های ساسانی مربوط به قرن‌های ششم و هفتم میلادی یافت شده^{۲۷} و در جبل کنزان (Jabal Kenzan) کشف سکه‌های ساسانی قرن‌های چهارم و هفتم میلادی بر حضور مداوم آنها در منطقه دلالت دارد.^{۲۸}

در بخش شمالی - شرقی شبه جزیره‌ی عربستان و در امتداد خلیج فارس نفوذ ایران بهتر مشخص شده است. در آنجا انجمن‌های ایرانی مسیحی سکونت داشته و به زبان فارسی تکلم می‌کرده‌اند.^{۲۹}

در بخش جنوبی - شرقی شبه جزیره، شواهدی از حضور ساسانیان در صُحار (Sohar) به‌دست آمده، اما مهم‌تر از آن در جزیره الغنم (Jazirat al-Ghanam) و قُب عالی (Ghubb Ali) است که ظاهراً سکونتگاه ساسانیان بوده است.^{۳۰}

در صُحار، در دهانه‌ی خلیج فارس در دریای عمان و همچنین در دما (Dama) و جرفار (Jurrafar) دژی ساسانی برقرار بوده که در امر تجارت فعالیت داشته اند.^{۳۱}

22. V. Lukonin, "Administrative Institutions During the Parthian and the Sasanian Period," *The Cambridge History of Iran*, ed. E. Yarshater, Vol. 3(2), Cambridge University Press, Cambridge, 1984, p. 744.
23. H. St. J.B. Philby, "Southern Najd," *The Geographical Journal*, vol. 55, 1920, p. 168; Potts, op.cit., p. 208.
24. M. Ibrahim, *Merchant Capital and Islam*, Austin, 1990, p. 48.
25. Potts, op. cit., pp. 215-216.
26. Potts, op. cit., p. 216.
27. Potts, op. cit., pp. 216-217.
28. Potts, op. cit., p. 218.
29. Potts, op. cit., p. 245.
30. Potts, op. cit., pp. 296-297.
31. J. C. Wilkinson, "Suhar in the Early Islamic Period: The Written Evidence," *South Asian Archaeology*, 1973, ed. E. Taeddi, Vol. 2, p. 888.

در غنم (Ghanam) در تنگه‌ی هرمز یک پادگان ایرانی وجود داشته که احتمالاً وظیفه‌ی نظارت بر کشتیرانی را برعهده داشته است.^{۳۲} همان برنامه برای بمبهور (Banbhore) در سند، در کیلوا (Kilwa) صادق بوده چنان که کالاهایی از دوره‌ی ساسانی - اسلامی در آنجا یافت شده این اجناس ساسانی - اسلامی در عراق تولید شده و به شکل انبوه در دوره‌ی اسلامی به سیراف صادر می‌شدند.^{۳۳} در منطقه‌ی ام‌المع (Umm al-Ma) نیز شواهدی از حضور ساسانیان وجود دارد؛ در آنجا جام‌های لعابی سبز رنگ ساخت عراق یافت شده است.^{۳۴} همچنین شواهدی از ابزارهای ساسانیان در صالحیه نزدیک خوران (Khawran) در رأس‌الخیمه وجود دارد.^{۳۵}

این موضوع در مورد ذبی نیز صادق است؛ در آنجا کاوش‌هایی که توسط برمکی (D.C. Barmaki) در دهه‌ی ۱۹۷۰م. صورت گرفت، بناهایی نظیر یک کاروانسرا، یک اقامتگاه حکومتی و یک مکان تجاری و یک شکارگاه از دوره‌ی ساسانی شناسایی شد.^{۳۶} در دوره‌ی خسرو اول نواحی دیگری نظیر مسقط در عمان تحت کنترل ساسانیان قرار گرفت.^{۳۷} اهمیت مسقط برای تاجران ایرانی تا دوره‌ی اسلامی تداوم یافت، زیرا کشتی‌های اعزامی از هند به مقصد عدن در این بندر توقف می‌کردند.^{۳۸} ملاحظات اقتصادی فراتر از مناطق ساحلی را دربر می‌گرفت. در منابع از استخراج معادن نقره و مس

32. B. de Cardi, "A Sasanian Outpost in Northern Oman," *Antiquity*, Vol. XLVI, No. 184, Dec. 1972, p. 308;

به علاوه A. A. Ezzah بر این باور است که ساسانیان به‌جز علایق تجاری، نفوذ کمی در عمان داشتند، اما سپس اظهار می‌دارد که عرب‌ها در منطقه می‌خواستند خود را از یوغ ایرانیان آزاد سازند. اینکه ساسانیان چقدر درگیر امور عمان بودند، تا زمانی که شواهد باستان‌شناسی بیشتری معلوم نشود، گفتن آن دشوار است.

Proceedings of the Seminar for Arabian Studies, Vol. 9, 1979, p. 56 & 61;

احتمالاً بیشتر از آنچه تاکنون معروف شده، بین آنها روابط متقابل حکمفرما بوده است؛ رجوع کنید به:

D. T. Potts, "A Sasanian Lead Horse from North Eastern Arabia," *Iranica Antiqua*, Vol. XXVIII, 1993, p. 197.

33. D. Whitehouse, "Maritime Trade in the Arabian Sea: The 9th and 10th Centuries AD," *South Asian Archaeology*, 1977, ed. M. Taddei, vol. 2, p. 874-879.

34. *Ibid.*, p. 881.

35. B. de Cardi, "The British Archaeological Expedition to Qatar 1973-1974," *Antiquity*, Vol. XLVIII, No. 191, Sept. 1974, p. 199.

36. B. de Cardi, "Archaeological Survey in N. Trucial States," *East and West*, IsMEO, Vol. 21, No. 3-4, Sept.-Dec. 1971, p. 260 & 268.

37. D.C. Barmaki, "An Ancient Caravan Station in Dubai," *Illustrated London News*, vol. 2903, 1975; Potts, op. cit., p. 298.

38. H. M. al-Naboodah, "The Commercial activity of Bahrain and Oman in the early Middle Ages," *Proceedings of the Seminar For Arabian Studies*, Vol. 22, London, 1992, p. 81.

39. B. Spuler, "Trade in the Eastern Islamic Countries in the Early Centuries," *Islam and the Trade in Asia*, 1970, p. 14.

در شمام (Samam) در نجد سخن رفته و گفته شده حدود یک هزار زرتشتی در کنار دو آتشکده‌ی خود در آنجا زندگی می‌کردند.^{۴۱}

به نظر می‌رسد معادن طلا و نقره در فارس کمیاب بوده، بنابراین کنترل بر معادن نقره و مس در یمن و عمان برای ساسانیان امری ضروری به‌شمار می‌رفت. هرچند ایالت فارس در دوره‌ی ساسانی در مراکز عمده‌ی خود سکه‌های نقره (درهم) فراوان و دائمی تولید می‌کرد، اما روشن است که لازمه‌ی آن وجود معادن می‌باشد. مقدار زیادی از درهم‌های ضرب شده در فارس در اواخر دوره‌ی ساسانی از پنج مرکز عمده‌ی ضرب سکه بودند^{۴۲}: (۱) اردشیرخوره، (۲) بیشاپور، (۳) دارابگرد، (۴) استخر و در انتهای دوره‌ی ساسانی (۵) وه‌ازآمدقباد^{۴۳}. با وجود تمام این ضربخانه‌ها حدوداً/عالم تنها به یک معدن در استخر^{۴۴} و معدنی دیگر در شرق فارس در نایین اشاره می‌کند^{۴۴}. استخری می‌نویسد فارس

40. Morony, op. cit., p. 29.

۴۱. برای شناسایی ضربخانه‌ها رجوع کنید به:

R. Gyselen, "Ateliers monétaires et cachets sassanides," *Studia Iranica*, Tome 8, fasc. 2, 1979, p.210.

۴۲. تعیین محل این ضربخانه مورد مناقشه است و چندین ضربخانه اسناد داده شده است. Mitchner محل این ضربخانه را تیسفون در ایالت آسورستان می‌داند:

"Mint Organization in the Sassanian Empire," *The Numismatic Circular*, Vol. LXXXVI, No.9, September 1978, Spink & Son LTD, London, p.473.

Gyselen محل آن را «وه از آمد- قباد» یا «لرژان» دوره‌ی اسلامی مشخص می‌کند:

ibid., p. 210,

خوانش او مبتنی بر ضهری است با سه شهری که ذکر شده: استخر، بیشاپور، و «وه از آمد- قباد»، که بنابراین در فارس قرار دارد:

ibid., *La géographie administrative de l'empire Sassanide*, Res orientales, Peeters, Leuven, 1993, for the discussion see p.62, for the seal see p.112

Mochiri آن را در «ویسپشاد خسرو» در ماد می‌داند:

Etudes de numismatique iranienne sous les Sassanides et Arabe-Sassanides, Vol. II, Tehran, revised edition, Leiden, 1982, p. 454;

Mordtmann و Sellwood نیشاپور در خراسان را پیشنهاد داده‌اند:

An Introduction to Sasanian Coins, Spink & Son Ltd., London, 1985, p.49.

استدلال Mitchner به‌راحتی غیر قابل قبول می‌نماید. Malek تردید دارد که «وه از آمد- قباد» (لرژان) در دوران ساسانیان چنان شهر مهمی بوده باشد که بتواند مرکز مهم ضرب و صدور سکه به‌شمار آید:

"Sasanian Numismatics," in *The Numismatic Chronicle*, London, 1993, p.90.

من قرابت‌هایی میان سکه‌های عربی- ساسانی این ضربخانه با دیگر ضربخانه‌های فارس می‌بینم که ازسوی Michael Bates مشخص شده و نشان می‌دهد استدلال Gyselen درست است. بنابراین به‌نظر می‌رسد محل

نیشاپور کمتر قابل توجیه است؛ همچنین رجوع کنید به:

S. Tyler-Smith "Sasanian Mint Abbreviations," *The Numismatic Chronicle*, Vol. 143, London, 1983, pp. 244-245.

43. *Hud, d al- 'Alam*, p. 131.

44. *Hud, d al- 'Alam*, p. 136.

نقره‌ی اندکی داشت.^{۲۵} نه مسالک و ممالک و نه فارسنامه‌ی ابن بلخی هیچ معین مهم نقره‌ای را در فارس گزارش نکرده‌اند. هرچند اغلب تصور شده که دلیل چنین تولید عمده‌ی سکه در فارس به‌خاطر لشکرکشی‌های نظامی خسرو دوم بوده، اما استنباط نگارنده این است که بخشی از این میزان ضرب سکه به دلیل حجم زیاد تجارت بوده که عمان و یمن محصول آن را فراهم می‌ساختند. در این رابطه تجزیه و تحلیل جنس سکه‌های ساسانی می‌تواند ارزشمند باشد.

می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ساسانیان از قرن سوم میلادی عملیات نظامی برای تسلط بر خلیج فارس و سرزمین‌های اطراف آن را آغاز کردند. این اقدام نظامی به سلطه‌ی اقتصادی و پیروزی در مقابل رومیان بر دریاها تبدیل گردید. منابع مکتوب و کشفیات باستان‌شناسی و همچنین بقایای مادی از دوره‌ی ساسانی بر آغاز فصل جدیدی در تاریخ خلیج فارس دلالت دارد. به‌نظر می‌رسد این نفوذ مبتنی بر ملاحظات سوق‌الجیشی و اقتصادی بوده است. هنگامی که رقابت با رومیان دسترسی به منابع طبیعی را دشوار ساخت، ایرانیان با کشف سرزمین‌های عربی بر شهرهای آن استیلا یافته و یا شهرها و بندرهای جدیدی در آن مناطق تأسیس کردند. از این روست که اعراب خود اذعان نموده‌اند که در اواخر دوره‌ی ساسانی درحالی که آنها در کوه‌ها و بیابان‌ها زندگی می‌کردند، ایرانیان بر سواحل و کناره‌های خلیج فارس تسلط داشتند.^{۲۶} شبه جزیره‌ی عربستان و سواحل جنوبی خلیج فارس ارزشمندتر از آن بود که مورد غفلت ساسانیان قرار گیرد.

45. *Masalik wa Mamalik*, p. 135.

46. S.M. Awtab, *Kitab ansab al-'arab*, Bibliothèque Nationale, Ms. Arabe 5019, 271r., after R. Hoyland, *Arabia and the Arabs from the Bronze Age to the coming of Islam*, Routledge, New York and London, 2001, p. 28.

پژوهشنامه خلیج فارس

(دو قسوم)

برگوشن

دکتر عبدالرسول خیراندیش و محبتی تبریزیا



مذکب

فروردین ۱۳۴۰